



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

میزگرد علمی

اشاره

آنچه در پی می‌آید گزارشی کوتاه از میزگرد علمی است که با شرکت آقایان
دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر سید جلال الدین مجتوی - دکتر صادق
آینه‌وند - دکتر غلامحسین زرگری نژاد در سینار امام حسین (ع) و احیای دین
برگزار شده است.

سؤال: در بین سلسله اهدافی که برای قیام آقا ابا عبدالله الحسین (ع) مطرح شده، هدف احیای دین از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟

دکتر شهیدی: آن حضرت می خواستند معالم مطرود یعنی محو شده اسلام را دوباره برافزاند و بدعتهایی که در دین به وجود آمده بود را از بین ببرند؛ پس احیای دین هدف اصلی سیدالشهدا (ع) بوده است و بقیه اهداف، پیرامون همین موضوع دور می زند.

سؤال: حرکت احیای دین را ناظر به دین می دانید یا جامعه دینی؟

دکتر مجتبیوی: هر دو، زیرا دین موجود جامعه آن روز، دین تحریف شده بوده که می بایست احیا بشود. برای اینکه این موضوع مشخص بشود باید اولاً اسلام را خوب بشناسیم و ثانیاً تاریخ اسلام را دقیق بدانیم و گرنه دچار پشداوری می شویم و واقع مطلب را درک نخواهیم کرد. در این خصوص چه بسیار مطالبی که از کتابهای خود اهل سنت می شود استفاده کرد. فسادی که از دوره خلافت عثمان ایجاد شد، قوم و خویش بازی، کار را به جایی رساند که افراد بی ایمان بر امور مسلط شدند تا اینکه یزید خلیفه مسلمین، و رقابت بین بنی امیه و بنی هاشم به عداوت تبدیل شد. اگر چند سالی دیگر می گذشت و اقدام شجاعانه صورت نمی گرفت، اسلام بکلی از بین می رفت.

سؤال: نقش حکومتها در ایجاد انحراف جامعه و تحریف دین، و از طرف دیگر نقش حکومتها در ایجاد روحیه تحریک شجاعت و تقویت ارزشهای انسانی را چگونه تحلیل می فرمایید؟

دکتر آیینه وند: وقتی می گوئیم احیای دین نه اینکه مردم و حکومت دین را خراب کرده اند و دین باید بازسازی بشود، بلکه احیا یعنی ارجاع به اصل و نشان دادن راه و مسیر، و بحث بیشتر از اینکه به حکومت برگردد به مردم بر می گردد. این مردم هستند که وضعیت جدید را می پذیرند و دین را به دنیا می فروشند. این ذهنیت شام هست که می پذیرد و این ذهنیت عراق هست که تسلیم می شود. موت و حیات دین به اعمال ما بر می گردد. امام حسین (ع) و خاندان پیامبر اکرم (ص)، شایستگی لازم را برای نشان دادن راه دارند و همین نیز یعنی احیای دین.

دکتر زرگری نژاد: منظور از احیای دین معروفی است که فراموش شده یا مفقود شده است. حضرت می‌فرماید: «الا ترون ان الحق لا يعمل به» بزرگان جامعه حقی را که پیامبر اکرم (ص) مطرح کرده می‌شناسند ولی به آن عمل نمی‌کنند. معروف وجود دارد ولی منکر حاکم است و نه اینکه اساساً دین از صحنه ذهن و اندیشه جامعه خارج شده است. پس احیای دین توسط امام حسین (ع) یعنی برگرداندن دین در عمل اجتماعی و نظام حکومتی و صحنه زندگی است اما نکته مهمتری که باید بحث شود این است که کدام قسمت دین فراموش شده بود که امام می‌خواست آن را به جامعه و زندگی اجتماعی بازگرداند؛ آیا قاعدتاً تحریم خمر کاملاً متروک شده؟ آیا حج و نماز و جهاد را مردم ترک کرده‌اند؟ پس معنای فرمایش امام که می‌فرماید من خروج کردم برای اصلاح امت جدم چیست؟

دکتر شهیدی: نکته خوبی آقای زرگری نژاد اشاره کردند. آیا خواست امام این بود که مردم فقط او را امام بدانند؟ جامعه آن روز معنای امامت را اینطور که ما می‌فهمیم نمی‌فهمیدند. آنچه می‌فهمیدند این بود که آن عدالتی که زمان پیامبر اکرم (ص) مطرح بود، از بین رفته است. صحبت زمان پیامبر این نبود که عدنانیها بیایند و دوباره بر قحطانیها حکومت کنند. صحبت این نبود که بیت‌المال دست خلیفه بناحق باشد. صحبت عراقیها این بود که سیدالشهدا (س) آنها را از زیر بار شامیها بیرون بیاورد و عدالت را اجرا کند. در اصل رسول خدا (ص) پس از توحید بیشتر اهتمامش به همین معنا بود.

دکتر مجتبوی: آقای دکتر آینه‌وند فرمودند مگر دین از بین رفته بود. وقتی دین تحریف بشود دیگر نه تنها آن نیست بلکه عکس آن است. عمل امام (ع) در عرفات نشان‌دهنده این است که حجی که به سرپرستی بنی امیه باشد به درد نمی‌خورد. اینکه بخواهیم صرفاً مردم را درست بکنیم، وجود حکومت ناصالح امکان ندارد. بالاخره همه امور در دست آنهاست. ۱۸ هزار نفر طرفدار امام بودند ولی به محض آمدن عبیدالله بن زیاد همه پراکنده شدند، زیرا از نحوه عمل او و پدرش بخوبی آگاه بودند؛ پس حکومت خیلی اهمیت دارد.

دکتر شهیدی: آنچه من راجع به عدالت عرض کردم، مفهوم خاصی که ما امروز در

نظر داریم نیست. آنچه قرآن به عنوان عدالت می‌فرماید خیلی وسیعتر است: عدالت بین انسان و جامعه، عدالت بین انسان و خدا و عدالت بین انسان و خودش.

دکتر آیینه‌وند: دو نکته در خصوص مسائل سیاسی اسلام وجود دارد: عده‌ای معتقدند که پس از پیامبر، دیگر مصطفی و مختاری وجود ندارد. به هر کس رأی مردم تعلق بگیرد، عصمت در فعل مردم متجلی می‌شود. این نظر عدنانیها و اعراب شمال بوده است. جنوبیها که دارای تمدن برتر و عرفان بالاتری بودند درک زیبایی داشتند. شیعه ولایتی را پذیرفتند. در عصر امام حسین (ع) عبدالله بن زبیر به علت آن جایگاهی که به علت هاشمی بودن و ام المؤمنین داشتن، حضرت خدیجه که عمه آنهاست و عایشه که خاله آنهاست، در عین حال، زبیر پسر عمه امیرالمؤمنین و شخص پیامبر اکرم نیز هست. می‌خواهند حکومت را به سمت قریشی راشدی برگردانند. در این جامعه تلقی‌های دیگری نیز بوده است. خوارج هم حرفهای دیگری داشتند. حالا چطور مردم با این گرایشها امام (ع) را برگزیده‌اند؟ زبیریها قبلاً زیر پرچم زبید به جهاد رفته‌اند و برای او کاریزما قائل شده‌اند. زبید نیز مشروعیت خود را از قبیله گرفته است. اما امام حسین (ع) هیچگونه نقطه ضعفی ندارد و جامعه انصار از بین همه جریانهای مطرح تنها به امام اعتقاد دارند. جوهره عدالت را در وجود امام (ع) می‌بینند. خط جنوبیها در شیعه نیز از همین جا شروع می‌شود؛ یعنی نمی‌شود با آل ابوسفیان به قسط و عدالت رسید. از سوی دیگر اگر چه باید نخست پایگاه اموی را نابود کرد ولی این قدم نخست است و باید در مردم تحول ایجاد کرد. مردم هستند که باید حالا قائل، مفتون، متربص و مرتاب نشوند و همان حالتی که در زمان حضرت علی (ع) پیش آمد، پیش نیاید.

سؤال: مفهوم خاص احیاءری از دیدگاه شما چیست؟

دکتر زرگری نژاد: امام را در زیارت بسیار مشروح وارث، وارث، وارث تمام انبیا (ع) از آدم تا خاتم می‌شناسیم و وارث امیرالمؤمنین می‌شناسیم. امام که نمی‌تواند وارث شریعت تک تک آنها باشد زیرا شریعت آنها با هم متفاوت است بر اساس آیه شریفه: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط همه مردم

در واداشتن و کشاندن مردم به قسط مشترکند؛ پس اجرای عدالت، هدف اصلی قیام امام حسین(ع) در دوره بنی امیه است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی